



بسم تعالی

## هوش در رویکرد شناختی



نظریه های مختلفی در باره هوش و ماهیت آن توسط روان شناسان شناختی عرضه شده است. یکی از نظریه های جندعاملی و شناختی هوش که امروزه در مدارس شناختی مبنای آموزش و پرورش دانش آموزان قرار گرفته است نظریه هوشهای چندگانه گاردنر است که در زیر به توصیف آن می پردازیم:

### تعریف هوش از دیدگاه گاردنر

هوش از نظر گاردنر عبارت است از : قابلیت حل مسئله یا تولید ( خلق ) یک محصول ، ساخت چیزی که دست کم در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می شود . ( گاردنر، ۲۰۰۶ )

### نظریه هوش های چندگانه گاردنر

گاردنر معتقد است انسان دارای یک نوع هوش نیست، بلکه هر انسان دارای هوشهای مختلفی است و می تواند در یک نوع هوش برتر باشد. او ۹ نوع هوش را از یکدیگر تمییز داده و معتقد است که مدرسه باید استعداد و نوع هوش برتر کودک را شناسایی و وسیله رشد او را در آن هوش فراهم سازد. هر فرد در یک یا چند نوع هوش مستعد است و این استعداد از طریق آموزش قابل رشد می باشد. برنامه درسی مدرسه باید طوری طراحی شود که هر کودک بتواند در نوع هوشی که در آن برتر است مسیر پیشرفت و تعالی را بیاماید. لذا در مدرسه شناختی نظریه گاردنر مبنای آموزش و رشد دانش آموزان قرار می گیرد و به جای این که از آزمونهای استاندارد برای اندازه گیری هوش کلی افراد استفاده شود، هر فرد با خودش مقایسه می گردد. در مدرسه شناختی آزمون به معنای مقایسه عملکرد یا بهره هوشی افراد وجود ندارد.

### انواع هوشهای چندگانه:

#### ۱- هوش منطقی - ریاضی<sup>۱</sup>

هوش منطقی- ریاضی شامل توانایی کشف الگوها ، استدلال قیاسی و تفکر منطقی است. افرادی که از این نوع هوش برخوردارند برای برقراری ارتباط میان اطلاعات متنوعی که در دسترس ایشان قرار می گیرد، بر اساس الگوهای منطقی و عددی می اندیشند . عملیات ریاضی را به شیوه منطقی و به سرعت انجام می دهند ، نسبت به پدیده های محیطی اطراف خود کنجکاوند و درباره آنها دست به آزمایش می زنند . مسائل گوناگون را به روش علمی بررسی می کنند به حل مسائل عددی، بازیهای قانونمند، آزمایشهای علمی و به کشف الگوهای موجود میان روابط پدیده ها ، علاقه نشان می دهند.

<sup>1</sup> - logical – mathematical intelligence

## ۲- هوش زبانی - کلامی<sup>۲</sup>

این هوش شامل حساسیت نسبت به زبان گفتاری و نوشتاری و توانایی کاربرد کلمات در زبان است این گونه افراد از خواندن و نوشتن، داستان گویی، سخنرانی و بیان کلامی افکار خود لذت می برند. آنان به جای اشکال، در چارچوب کلمات می اندیشند و از زبان به عنوان ابزاری برای حفظ و یادآوری اطلاعات استفاده می نمایند.

## ۳- هوش تجسمی - فضائی<sup>۳</sup>

این هوش شامل توانایی حل مسئله از طریق دستکاری و ایجاد تصاویر ذهنی، و اندیشیدن از راه تجسم دیداری است. این گونه افراد برای یادگیری مطالب از نقشه و نمودار و تصاویر و فیلم استفاده می کنند. آنان در نقشه خوانی، تفسیر نمودارها، جهت یابی فضایی، طراحی، نقاشی، ساختن، تعمیر اشیاء و تفسیر تصاویر ذهنی از توانایی بالایی برخوردارند. به نظر گاردنر این نوع هوش تنها به حوزه دیداری محدود نمی شود، او در پژوهشهای خود به این نتیجه رسید که کودکان نابینا نیز از این توانایی برخوردارند.

## ۴- هوش جنبشی - جسمانی<sup>۴</sup>

این نوع هوش با جنبش و حرکت در ارتباط است. افرادی که در این نوع هوش برترند در فعالیتهای جسمانی مانند ورزش و حرکات موزون برتری خود را نشان می دهند و اغلب فعالیتهایی را ترجیح می دهند که از جنبش بدنی در آن استفاده شود. آنها از طریق حرکات جسمانی و انجام دادن کار خیلی بهتر از خواندن، دیدن یا شنیدن مطالب را فرا می گیرند. کسانی که هوش جنبشی - جسمانی قوی تری دارند به نظر می رسد از چیزی برای فراگیری استفاده می کنند که اصطلاحاً حافظه عضلانی<sup>۵</sup> نامیده می شود. هوش جنبشی - حرکتی توانایی کاربرد مناسب تواناییهای جنبشی در ورزش، هنرهای نمایشی و تولیدات دستی است. هوش جسمانی قابلیت استفاده از تواناییهای جسمانی در حل مسائل و ایجاد نوآوری و انتقال عقاید و احساسات است

## ۵- هوش موسیقایی - ریتمی<sup>۶</sup>

هوش موسیقایی شامل توانایی تشخیص آهنگ و تصنیفهای موزون و لذت بردن از موسیقی است. این گونه افراد از طریق اصوات، آهنگها و الگوهای موسیقی می اندیشند. به آهنگهایی که می شنوند خواه مورد علاقه و خواه مورد انتقاد آنان باشد به سرعت واکنش نشان می دهند. در خواندن آواز و سرود، سوت زدن، نواختن آلات موسیقی، تشخیص الگوهای موزون، ساختن آهنگها، یادآوری ملودیها و درک ساختار و ریتم موسیقی استعداد برتری دارند.

<sup>2</sup> - verbal-linguistic intelligence

<sup>3</sup> - visual-spatial intelligence

<sup>4</sup> - bodily-kinesthetic intelligence

<sup>5</sup> - muscle memory

<sup>6</sup> - musical-rythmic intelligence

۶- هوش میان فردی<sup>۷</sup>

این نوع هوش مرتبط با تعامل با دیگران است. افرادی که در این نوع هوش برترند، دارای روابط عمومی قوی بوده، نسبت به احساسات و حالات و انگیزه های دیگران حساسیت نشان داده، توانایی تعامل با دیگران را در خود بروز می دهند. آنها خیلی راحت با دیگران ارتباط برقرار کرده، همدلی و تبادل احساسات می کنند. هم در نقش پیشرو و هم در نقش پیرو، تعامل خوبی را با دیگران دارند. در تعامل با دیگران و از طریق فعالیتهای گروهی خیلی بهتر مطالب را فرا می گیرند. این افراد سعی می کنند برای درک بهتر امور، آنها را از منظر دیگران نظاره و ادراک نمایند. آنان از استعداد سازمان دهی و تأثیرگذاری بر دیگران برخوردارند و در میان افراد گروه، آشتی و همکاری ایجاد می کنند. برای ارتباط با دیگران از روشهای کلامی و غیر کلامی به خوبی استفاده می کنند.

۷- هوش درون فردی<sup>۸</sup>

این هوش شامل استعداد خود شناسی، درک احساسات، ترس و انگیزه های فردی است. این گونه افراد می کوشند تا احساسات درونی، آرزوها، روابط با دیگران و نقاط قوت و ضعف خود را درک کنند. برخورداری از این هوش سبب می شود که شخص زندگی خود را به گونه مؤثری سازمان دهد. به سبب رابطه نزدیک میان هوش میان فردی و درون فردی، در بیشتر فرهنگها این دو نوع هوش را سازه واحدی تلقی می کنند اما به نظر گاردنر آنها مستقل از یکدیگرند.

۸- هوش طبیعت گرایی<sup>۹</sup>

این نوع هوش، مرتبط با طبیعت، پرورش طبیعت و ارتباط با محیط اطراف است. این یکی از هوشهای جدیدی است که گاردنر در سال ۱۹۹۹ به هوشهای هفت گانه قبلی خود اضافه نمود. افراد دارای این هوش نسبت به طبیعت و محدوده طبیعی پیرامون خود حساسیت بیشتری نشان می دهند. و توانایی پرورش طبیعت را داشته، در مراقبت، رام کردن و تعامل با حیوانات احساس آرامش خاصی می کنند. آنها حتی ممکن است تغییرات آب و هوایی یا تغییرات نسبی آن در محیط پیرامونی خود را خیلی بهتر از دیگران متوجه شوند. در طبقه بندی و تشخیص گونه های مختلف تبخّر دارند. طبیعت گرایان وقتی مطالب را بهتر فرا می گیرند که فعالیت یادگیری آنها شامل جمع آوری، تفکیک و مواردی شبیه آن که با طبیعت سر و کار دارد باشد. از فراگیری موارد نا آشنا و مواردی که کاربرد آنها مشخص نیست و یا مواردی که با طبیعت مرتبط نمی باشد، لذت نمی برند. طبیعت گرایان ترجیح می دهند مطالب خود را در محیط باز و در حین فعالیتهای جنبشی فرا گیرند. هوش طبیعت گرایی سبب می شود که فرد بتواند پدیده های طبیعی را بشناسد، آنها را طبقه بندی کند، کنجکاو خود را درباره پدیده های طبیعی با مشاهده طبیعت و آزمایش ارضا کرده، به درک روابط پدیده های طبیعی دست یابد.

<sup>7</sup> - interpersonal intelligence

<sup>8</sup> - intrapersonal intelligence

<sup>9</sup> - naturalistic intelligence

## ۹- هوش وجود گرایی<sup>۱۰</sup>

این هوش شامل حساسیت و استعداد فرد برای درگیر شدن در پرسشهای عمیق درباره انسان، مفهوم مرگ و زندگی، خلقت انسان و عرصه حیات و چرایی هستی است.

بر اساس نظریه گاردنر در مدرسه شناختی میزهای شناختی مختلفی تأسیس می گردد که بر روی هر کدام یک فعالیت شناختی متناسب با یکی از هوشهای چندگانه انجام می گیرد. کودکان به تناسب استعداد خویش میز مورد علاقه خود را انتخاب می کنند. هر فعالیت شناختی که مقوله ای را آموزش می دهد در عین حال موجب رشد یکی از هوشهای ۹ گانه گاردنر را تقویت می کند و ناظر بر یکی از محورهای تربیتی است که در صفحات بعد مورد بحث قرار خواهند گرفت. فعالیتها در مدرسه شناختی باید برای کودک جاذبه داشته باشد، به طوری که کودک آنها را نیمه کاره رها نسازد. بدین منظور از انواع شیوه هایی که به جذابیت آن فعالیت کمک می کند استفاده خواهد شد که از جمله بازی، قصه، کاردستی و . . . می باشد (گاردنر، ۱۹۹۳) در جدول پیوست نمونه ای از فعالیت شناختی ارائه شده است.

<sup>10</sup> - existential intelligence